

اهمیت حفظ نظم د کلاس‌های دبستانی و دبیرستانی به وسیله مطالعاتی که اخیراً در خصوص تدریس مؤثر و غیرمؤثر صورت گرفته و نیز از طریق تجربیات ثبت نشده عد بی‌شماری از معلمان، مورد تأکید قرار گرفته است. در ارتباط با نظم کلاس، معلمان دوست دارند که به دو سؤال اساسی پاسخ داده شود. اول این که چه کار باید کرد که از مشکلات رفتاری در کلاس جلوگیری شود؟ و دوم آن که به هنگام وقوع مشکلات رفتاری چه باید کرد؟ در این مقاله برای پاسخ به دو سؤال فوق راه حل‌های مختلفی پیش‌نهاد شده است که هم جنبه پیش‌گیری و هم جنبه درمانی دارند. هم چنین در قسمتی از مقاله به چگونگی تشخیص علل بدر رفتاری دانش‌آموزان اشاره گردیده است. البته باید اذعان داشت که این راه حل‌ها خالی از عیب نیستند. چرا که ممکن است همه این پیش‌نهادها مورد استفاده قرار بگیرند ولیکن مشکلات رفتاری هم چنان باقی بمانند. به هر حال چیزی را که می‌توان به جرئت بیان داشت این است که با به کارگیری این گونه دستورات عمل‌ها مطمئناً از میزان و شدت مشکلات رفتاری کاسته خواهد شد.

ژانلای پرسی گوری لای

مشکلات رفتاری

۱- معلمان همواره بایستی نسبت به خود، دانش‌آموزان و مواد درسی احساس راحتی کنند. شاید علت اصلی مشکلاتی که دانشجو - معلمان و معلمان تازه کار در ارتباط با انضباط کلاس خود دارند، عدم احساس راحتی با خودشان باشد، زیرا فکر می‌کنند در آن سوی میز و در مقابل دانش‌آموزان ایستادن، خصوصاً در ابتدای کار، چندان کار ساده‌ای نیست. عدم احساس راحتی با دانش‌آموزان به این علت که

انضباط در کلاس درس

نویسندگان:

ج. میشل پالاردی

توماس ج. پالاردی

مترجم: عباس سازش

ممکن است «بسیار متفاوت» یا «بسیار خردسال» یا «بسیار بزرگسال» باشند، مسئله دیگری است و سرانجام عدم احساس راحتی در مورد موضوع درس به خاطر این که مبادا در ارتباط با تدریس آن استانداردهای فعلی را رعایت نکنند، مشکل دیگری خواهد بود. ولی صرف نظر از علل یاد شده و هم چنین تجربیات چندین سائله معلمان، معلمانی که فاقد آرامش و راحتی‌اند، بدون شک این حالت را به دانش‌آموزان خود انتقال خواهند داد. هنگامی که این امر اتفاق بیفتد، درهای ناراحتی و بی‌قراری به روی همه دانش‌آموزان کلاس باز خواهد شد.

۲- معلمان باید برای اداره درست کلاس، به ظرفیت و میل باطنی دانش‌آموزان خود ایمان داشته باشند. برطبق نظر جامعه‌شناسان، چنین ایمانی خود به خود تحقق خواهد یافت. اگر معلمان به این حقیقت معتقد باشند که دانش‌آموزان هم می‌توانند و هم می‌خواهند که رفتارشان پسندیده باشد، دانش‌آموزان آنان به همین نحو هم عمل خواهند کرد. حال آن که اگر معلمان بنا به علل مختلف بر این عقیده باشند که دانش‌آموزان نه می‌توانند و نه می‌خواهند که رفتاری شایسته داشته باشند، در واقع به خطا رفته و تخم بدر رفتاری را در دل تک تک دانش‌آموزان خود افشاندند. معلمان باید ایمان داشته باشند که تمایل دانش‌آموزان به مانند اعضای هر گروه اجتماعی دیگر این است که به گونه‌ای زندگی و عمل کنند که دیگران از آن‌ها توقع دارند.

۳- معلمان باید اطمینان یابند که فعالیت‌های آموزشی آنان جالب و مفید واقع خواهد شد. دو واژه «جالب» و «مفید» در مقالات و متون مربوط به تعلیم و تربیت زیاد به کار رفته است و در اهمیت آن‌ها هیچ گونه



۵- معلمان بایستی دانش‌آموزان را در تنظیم و اجرای مقررات کلاس درگیر و سهیم کنند. دو علت درازمدت و کوتاه‌مدت برای انجام این مهم وجود دارد. از نظر علت بلندمدت باید گفت که اگر بخواهیم در جامعه مردم سالاری حاکم باشد باید اعضای آن جامعه مهارت و درایت تشریک مساعی در فعالیت‌ها و شرکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی را داشته باشند. مدارس عملاً تنها وسیله‌ای‌اند که به وسیله آن دانش‌آموزان می‌توانند به طور تدریجی و بدون هیچ‌گونه واهمه این‌گونه مهارت‌ها را تمرین کرده، آن‌ها را بخوبی فراگیرند، و از نظر علت کوتاه مدت به این نکته باید اشاره کرد که وقتی گروهی از افراد در اتخاذ تصمیماتی که به زندگی خود آن‌ها مربوط می‌شود شرکت داشته باشند، احتمال این که در چهارچوب همان تصمیمات زندگی و عمل کنند بیش‌تر خواهد بود. گروه‌های دانش‌آموزی هم از این قاعده مستثنا نیستند. دانش‌آموزانی که در تنظیم و اجرای مقررات کلاس همکاری داشته‌اند بهتر از دانش‌آموزانی که کوچک‌ترین دخالتی در پدیدآیی آن‌ها نداشته‌اند، لزوم وجود این‌گونه مقررات را درک می‌کنند و در مقابل اجرای آن‌ها از خود تعهد نشان می‌دهند.

۶- معلمان باید اطمینان حاصل کنند که شاگردانشان روش کار آن‌ها را می‌دانند و آن را می‌فهمند. هرگز دو معلم پیدا نمی‌شود که انتظارات و توقعات مشابهی از دانش‌آموزان داشته باشند. به عبارت دیگر، هیچ دو معلمی روش کار واحدی در کلاس ندارند.

انتظارات جوراجور و متفاوت و ارائه روش‌های کار ناهماهنگ، دانش‌آموزان را با مشکلات واقعی مواجه می‌سازد. در این روزها که تدریس به صورت گروهی است و در بعضی



دانش‌آموزان، تنها در مدارس می‌توانند به طور تدریجی و بدون هیچ‌گونه واهمه‌ای مهارت و درایت تشریک مساعی در فعالیت‌ها و شرکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی را تمرین کرده، آن‌ها را به خوبی فراگیرند.

تردیدی وجود ندارد. هم چنین این حقیقت نیز که کلاس‌های خسته‌کننده، کارهای یکنواخت، موضوعات درسی نامربوط و قدیمی و روش‌های تدریس ملال‌آور، ویژگی اکثر مدارس ماست، نباید مورد تردید قرار گیرد، حتی اگر حاضر به قبول آن نباشیم. بدون شک این ویژگی‌ها علل اصلی بدرفتاری‌های دانش‌آموزان است. به یقین بعضی از شاگردان مدارس به اوضاع کسل‌کننده مدرسه عادت می‌کنند، راه‌های بازی را فرامی‌گیرند و حتی به شهروندان نمونه در مدرسه خود تبدیل می‌گردند، ولی محققاً دانش‌آموزانی هم هستند که در مقابل این اوضاع و احوال بی‌تفاوت، یابی و پردردسر می‌شوند.

۴- معلمان بایستی فعالیت‌های آموزشی خود را با ظرفیت و توان دانش‌آموزان، هماهنگ سازند. اختلالات رفتاری معمولاً نتیجه عدم هماهنگی آموزش معلم با توانایی‌های دانش‌آموزان است. هنگامی که به دانش‌آموزان تکالیفی داده شود که بسیار مشکل‌اند یا برای انجام آن‌ها آمادگی لازم را ندارند و نیز زمانی که معلم دستورالعملی می‌دهد که مطلقاً از درک آن‌ها خارج است، جای تعجب نیست که بعضی از آن‌ها احساس دلسردی و محرومیت کنند و در دسر بی‌افزینند. زمانی که به دانش‌آموزان کاری محول شود که از سطح فهم آن‌ها پایین‌تر است، باز هم جای تعجب نیست که علاقه و انگیزه خود را از دست بدهند و مشکلاتی را در مدرسه به وجود بیاورند. معلمان باید مطمئن شوند کاری که به دانش‌آموزان تفویض می‌کنند در خور فهم و توان آنان باشد. اگر معلمان در این امر قصور داشته باشند، حداقل باید زمانی دانش‌آموز را به سبب بدرفتاری‌اش سرزنش کنند که واقعاً استحقاق آن را دارد.

بمانند بزرگسالان رفتار خود را کنترل کنند. در بسیاری موارد دیده شده که این گونه انتظارات حتی بیش از حد توان آن‌ها بوده است. بدون شک اگر معلمان توقع رفتارهای بزرگسالانه را از دانش‌آموزان خردسال نداشته باشند، بسیاری از دردها را از وجود خود و بسیاری از محرومیت‌ها و دلسردی‌ها را از دانش‌آموزان خود دور ساخته‌اند.

۹- معلمان نباید نشان دهند که دانش‌آموزان خود را قلباً دوست دارند و به آن‌ها احترام می‌گذارند. اما وقتی که معلمان پشت سر دانش‌آموزان خود لب به شکایت می‌کشایند و به شکل‌های مختلف به آنان می‌گویند که فرهنگ آن‌ها ناقص است، با اولیای آن‌ها تماس نمی‌گیرند و کار اضافی برای جبران عقب‌ماندگی بعضی از دانش‌آموزان خود انجام نمی‌دهند، شواهدی از این دوستی را از خود بروز نمی‌دهند. تعداد این موارد زیاد است و همه آن‌ها بی‌تردید صحت دارند. معلمان فقط از طریق اعمال خود به دانش‌آموزان احترام می‌گذارند و اتفاقاً از طریق همین اعمال است که موفق می‌گردند احترام دانش‌آموزان را به سوی خود جلب کنند. به هر حال جلب احترام دانش‌آموزان می‌تواند به احتمال قوی مهم‌ترین راه جلوگیری از بدرفتاری‌های آنان باشد.

روش‌های نه گانه‌ای که در بالا به آن‌ها اشاره شد می‌تواند و باید توسط معلم برای جلوگیری از مشکلات رفتاری دانش‌آموزان به کار گرفته شود، ولی مطمئناً با این روش‌ها نمی‌توان به طور صددرصد از وقوع مشکلات رفتاری دانش‌آموزان جلوگیری کرد. به راستی هنگامی که این گونه مشکلات به وقوع می‌پیوندند معلم چه باید بکند؟

معلمان فقط از طریق اعمال خود به دانش‌آموزان احترام می‌گذارند و اتفاقاً از طریق همین اعمال است که موفق می‌گردند احترام دانش‌آموزان را به سوی خود جلب کنند. به هر حال جلب احترام دانش‌آموزان می‌تواند به احتمال قوی مهم‌ترین راه جلوگیری از بدرفتاری‌های آنان باشد.



از مدارس گروه‌های آموزشی در تدریس درس‌ها دخالت دارند و هم چنین دانش‌آموزان در گروه‌بندی‌های مختلف عضویت می‌یابند، حتی دانش‌آموزان بسیار خردسال نیز روزانه با دو یا چند معلم در تماس‌اند. از این رو دانش‌آموزان نه تنها باید بدانند که از چه روشی پیروی کنند، بلکه باید بدانند که هر روش کار از آن کدام معلم است. این کار ساده‌ای نیست، ولی معلمان اغلب آن را ساده و سرسری می‌شمارند. معلمان، اغلب دچار این اشتباه می‌شوند که فکر می‌کنند معیارهایی که برای رفتار صحیح در نظر دارند بهترین و تنها معیارهاست. در حقیقت، رفتارها نسبی‌اند و صحت آن‌ها باید فقط در همان زمینه‌ای که رفتار صورت گرفته، ارزیابی شود. خیلی از مواقع رفتاری از نظر یک معلم صحیح و از دیدگاه معلم دیگر ناصحیح تلقی شده و در نتیجه باعث سرگردانی بچه‌ها گردیده است.

۷- معلمان باید اوقاتی را که مشکلات دانش‌آموزان افزایش می‌یابد، در نظر بگیرند. دانش‌آموزان در چه مواقعی تمایل به انجام اعمال غیر عادی دارند؟ آیا بیش‌تر زمانی است که وارد کلاس می‌شوند؟ یا هنگامی است که کلاس خاتمه می‌پذیرد؟ در زمین بازی است؟ یا در ناهار خوری؟ در راهروهاست؟ در آغاز هفته است یا وسط هفته یا آخر هفته؟ روز قبل از امتحان است یا پیش از یک بازی بزرگ یا روز بعد از آن؟ اولین اقدام در رفع این گونه مشکلات این است که معلم اوقات و زمان‌های مشکل‌آفرین را بداند.

۸- معلمان باید این نکته را به خاطر داشته باشند که دانش‌آموزانشان بزرگ مردان کوچک نیستند. برعکس آن‌ها کودکان و نوجوانانی بین سن ۵ تا ۶ یا ۱۶ ساله‌اند. از این گونه افراد نمی‌توان انتظار داشت که

دانش‌آموزان خود را دعوت به سکوت می‌کنند.
 ۲- هنگامی که دانش‌آموزی دست به رفتارهای ناشایست می‌زند، قدم زدن به سوی او می‌تواند نتایج مطلوبی به بار آورد. زمانی که معلم از این روش استفاده می‌کند، کم‌تر دانش‌آموزی است که معنای آن را نفهمد یا آن را با گستاخی نادیده بگیرد.

۳- از بین بردن منشأ آشوب و ناراحتی ممکن است نتیجه خوبی به همراه داشته باشد. روش دور کردن عامل آشوب می‌تواند شامل بیرون بردن کش، تفنگ آبی، غذا و مطالب خواندنی ممنوع از داخل کلاس باشد. البته بسیاری از معلمان با این شیوه‌ها آشنایی کامل دارند. شیوه دیگری که در دفع منشأ آشوب و ناراحتی می‌تواند به کار گرفته شود شیوه «بگذار دوره‌اش تمام شود» است. ممکن است بسیاری از معلمان با این شیوه آشنا نباشند. تقریباً همیشه در کلاس و خارج کلاس پدیده‌هایی وجود دارد که دانش‌آموزان به طور طبیعی به آن‌ها علاقه‌مندند و طبعاً به آن‌ها توجه نشان می‌دهند. رگبار تگرگ، صدای آژیر آمبولانس، کفش‌های جدید یک دانش‌آموز و شیوه اصلاح سسر دانش‌آموزی دیگر، نمونه‌هایی از این پدیده‌ها به شمار می‌آیند. هنگامی که چنین چیزهایی توجه دانش‌آموزان را به خود جلب می‌کند، مطمئن‌ترین کار این است که معلم به دانش‌آموزان اجازه دهد تا چند دقیقه‌ای در آن موضوع به بررسی یا مشاهده بپردازند.

۴- نشان دادن نتیجه و بازتاب بدرفتاری دانش‌آموزان به خودشان می‌تواند روش مؤثر دیگری در دفع مشکلات رفتاری دانش‌آموزان باشد. البته در خلال این کار باید کلیدی برای نتایج مطلوب کارهای آن‌ها پیدا شود. وقتی معلم به دانش‌آموزی می‌گوید که از بالا و پایین



بدون شک اگر معلمان توقع رفتارهای بزرگسالانه را از دانش‌آموزان خردسال نداشته باشند، بسیاری از دروسها را از وجود خود و بسیاری از محرومیت‌ها و دلسردی‌ها را از دانش‌آموزان خود دور ساخته‌اند.

یکی از شیوه‌هایی که می‌تواند برای دفع منشأ آشوب و ناراحتی به کار گرفته شود، شیوه «بگذار دوره‌اش تمام شود» است.

راه‌های مداخله در

مشکلات رفتاری

همان‌گونه که روش واحدی را نمی‌توان برای جلوگیری از مشکلات رفتاری دانش‌آموزان گوشزد کرد، روش خاصی را هم نمی‌توان برای برطرف ساختن آن‌ها پیش نهاد نمود. هیچ روش جلوگیری نمی‌تواند برای همیشه کارساز باشد. ولی برعکس راه‌های مختلفی برای مداخله در بدرفتاری‌های دانش‌آموزان وجود دارد و بدون شک معلمان باید بهترین راه را انتخاب کنند و به کار گیرند. لذا در این جا هفت راه برسد مختلف را معرفی می‌کنیم و معتقدیم که این خط‌مشی‌ها باید در موقعیت‌های مختلف مورد استفاده معلمان قرار بگیرند. باز هم به این نکته اشاره می‌کنیم که این روش‌های هفت‌گانه به هیچ وجه فهرست کاملی را ارائه نمی‌دهد، اما به سه مهم خود می‌تواند گام‌های آغازین خوبی برای معلمانی باشد که درصدد حل مشکلات رفتاری دانش‌آموزان خود می‌باشند.

۱- استفاده از شیوه‌های غیرگفتاری، خصوصاً در ابتدای مرحله‌ای که بچه‌ها شروع به بدرفتاری می‌کنند می‌تواند وسیله مؤثری باشد برای این که به آن‌ها بفهمانیم باید دست از بدرفتاری بردارند و آرام بگیرند. حالت چشم‌ها، نحوه حرکت بدن، حالت صورت و قیافه و حتی سکوت، شاید بهترین و مؤثرترین شیوه‌های غیرگفتاری باشند. شیوه‌های گفتاری نیز در رفع بدرفتاری مؤثرند، ولی متأسفانه آن قدر مورد استفاده قرار گرفته‌اند که جای تردید بوده و سؤالاتی را به وجود آورده‌اند. به طور مثال عده بی‌شماری از معلمان در بسین هر جمله‌ای که بیان می‌کنند، با گفتن «سس سس»

کردن باشد. این در شأن معلم نیست که دانش آموز را به خاطر انتقام جویی تنبیه کند. معلمی که چنین کاری می کند صلاحیت شغل معلمی را ندارد.

سوم: نباید از تکالیف درسی به عنوان تنبیه استفاده شود. در اکثر موارد وقتی که دانش آموز را مجبور می کنند به طور مثال مسائل یک صفحه دیگر از کتاب ریاضی خود را حل کند یا چند صفحه به تکالیف نوشتنی خود بیفزاید، این شیوه برخورد باعث می شود که او علاقه ای را که ممکن است در آینده در همین زمینه ها پیدا کند کاهش دهد و طبیعی است که ضرر این کار از نفعش بیش تر است.

چهارم: معلمان باید از تنبیه گروهی خودداری کنند. معلمان نباید همه دانش آموزان کلاس را به سبب بدرفتاری معدودی از دانش آموزان مورد تنبیه قرار دهند. متأسفانه بسیاری از معلمان در این دام می افتند و کم تر معلمی است که بدون از دست دادن احترام و اعتبار خود از آن رهایی یابد.

پنجم: تنبیه بدنی نباید مورد استفاده قرار گیرد. بدیهی است که اختلاف نظرهای بسیاری در مورد مؤثر یا غیر مؤثر بودن تنبیه بدنی وجود دارد. ولی ما آن را کلاً روشی غیر مؤثر تلقی می کنیم. البته آن هایی هم که از مؤثر بودن تنبیه بدنی حمایت می کنند معتقدند که از آن باید به عنوان آخرین حربه در تغییر رفتار استفاده شود. اما اگر مؤثر واقع نشد، آن وقت دیگر هیچ کاری نمی توان انجام داد و به نظر ما این کار رسیدن به آخر خط است.

۷- تعدیل رفتار شیوه مؤثر دیگری است که دارای چهار گام مختلف است.

تنبیه بدنی نباید مورد استفاده قرار گیرد. بدیهی است که اختلاف نظرهای بسیاری در مورد مؤثر یا غیر مؤثر بودن تنبیه بدنی وجود دارد. ولی ما آن را کلاً روشی غیر مؤثر تلقی می کنیم.

سعی در روبه رو شدن با دانش آموزانی که در شرف از دست دادن کنترل خودند، تقریباً کار بیهوده ای است، زیرا در چنین مواقعی غالباً معلمان عصبانی می شوند و کنترل خود را از دست می دهند.

پریدن دست بردار و الا تو را حبس می کنم و ساعات تنهایی بدی را خواهی گذرانید، این نمی تواند نتیجه مطلوب به بار آورد. ولی وقتی در مقابل این چنین بدرفتاری به او گفته شود که به خاطر آن دیگر نمی تواند پهلوی دوست دانش آموز خود بنشیند، می تواند روش مؤثری باشد. مواجه ساختن دانش آموز با عاقبت کار او کار آسانی نیست. مواجه سازی های اشتباه به هیچ وجه نتایج مطلوبی به بار نخواهد آورد.

۵- یک روش مهم دیگر در اصلاح رفتارهای ناشایست این است که معلم از دانش آموز بخواهد که کلاس را ترک کند. هدف از به کارگیری این شیوه آن است که به دانش آموز فرصتی داده شود تا آرام بگیرد. به طور مثال می توانیم از او بخواهیم که پیغامی را به کسی برساند، کمی آب بیاورد یا کمی در حیاط مدرسه قدم بزند و کلیه این شیوه ها، روش های مطلوب و مجاز به حساب می آیند. سعی در روبه رو شدن با دانش آموزانی که در شرف از دست دادن کنترل خودند، تقریباً کار بیهوده ای است، زیرا در چنین مواقعی غالباً معلمان عصبانی می شوند و کنترل خود را از دست می دهند.

۶- تنبیه دانش آموز شیوه ای ضروری و مؤثر است، ولی باید در نظر داشت که به هنگام به کارگیری این شیوه پنج اصل مهم فراموش نشود.

اول: تنبیه باید به ندرت صورت بگیرد. هرچه بیش تر تنبیه کنیم از تأثیر آن بیش تر خواهیم کاست. معلمانی که غالباً به تنبیه متوسل می شوند، مجبور می شوند برای حفظ وضع موجود، هم بیش تر و هم شدیدتر از قبل بچه ها را تنبیه کنند.

دوم: هدف تنبیه نباید حاکی از تلافی

کار را تکرار نکن و هنگامی که دانش آموز کاری را که از انجام آن منع شده است، انجام می دهد، معلمان عکس العمل خود را به وسیله تنبیه به او نشان می دهند. حال آن که وقتی دانش آموز کاری را که به انجام آن ترغیب شده است، انجام می دهد، معلمان کاری در جهت تشویق او انجام نمی دهند. معلمان با این فکر که تشویق رفتار خوب همان رفتار خوب است، از تشویق دانش آموزان خودداری می کنند. برطبق نظر دانشمندان و متخصصان رفتارگرا حذف پاداش در چنین مواردی بسیار مضر خواهد بود. باید به این نکته توجه داشت که در حقیقت فقط هنگامی که معلمان فعالانه و مصراانه و به طور مرتب به رفتارهای شایسته پاداش می دهند، در کاهش بدر رفتاری ها موفق می شوند.

گام چهارم و نهایی استفاده از روش خاموش سازی است و آن کمک به کاهش رفتارهای ناصحیحی است که در گام اول به آن ها اشاره شد. هدف در این جا همان کمک کردن به کاهش ناسازگاری هاست. به طور مثال فلان دانش آموز در درس قرائت باید بین نشستن و نشستن یکی را انتخاب کند. حتی اگر معلم مرتباً به چنین دانش آموزی که تصمیم گرفته سر جای خود بنشیند جایزه دهد باز هم موافقی هست که وی تصمیم می گیرد که این کار را نکند. زمانی که دانش آموز بر جای خود نشستن را انتخاب کند معلم هم می تواند یکی از دو کار را انجام دهد: یا عمل دانش آموز را نادیده بگیرد یا نسبت به آن عکس العمل نشان دهد. هر یک از این واکنش ها چیزی جز روش های خاموش سازی نیست که رفتارشناسان به آن اشاره کرده اند.

منتقدان غالباً این سؤال را مطرح می کنند که چرا معلمان باید رفتارهای ناشایست را نادیده

معلمان باید به تشخیص رفتارهای ویژه ای بپردازند که به نظر آن ها ناخوشایند است و هدف آن است که آن ها را دقیقاً روشن سازند.



گام اول مشخص کردن مشکلات رفتاری است. معلمان باید به تشخیص رفتارهای ویژه ای بپردازند که به نظر آن ها ناخوشایند است و هدف آن است که آن ها را دقیقاً روشن سازند. این کافی نیست که مثلاً معلمی بگوید رفتار فلان دانش آموز بد است، بلکه باید دقیقاً مورد بدر رفتاری او را مشخص سازد، مثلاً بگوید در هنگام درس قرائت، آن دانش آموز از جایش بلند می شود و در کلاس قدم می زند، یا دانش آموز بغل دست خود را اذیت می کند یا در هفته سه روز دیر به کلاس می آید. هر قدر رفتارهای ناشایست را دقیق تر مشخص کنیم نتیجه بهتری عاید خواهد شد.

گام دوم مشخص کردن رفتارهای صحیح است. معلمان باید رفتارهای صحیحی را که از دانش آموزان خود انتظار دارند مشخص کنند. در اکثر موارد برای شناسایی رفتارهای شایسته، آن ها را برعکس رفتارهای ناپسند عنوان می کنند، مثلاً می گویند آن دانش آموز در هنگام درس قرائت از جایش بلند نمی شود، او دانش آموز بغل دست خود را اذیت نمی کند یا او به موقع به کلاس می آید. این گام ممکن است نوعی دوباره کاری به نظر برسد، ولی برداشتن آن بسیار مهم است.

گام سوم استفاده از پاداش است. هنگامی که دانش آموز به نحوی که در گام دوم توضیح داده شد عمل کرد، معلم باید به او پاداش دهد. به مثال قبل بازمی گردیم. او حتی یک دقیقه هم در درس قرائت از جایش بلند نمی شود. وقتی دانش آموز این چنین سر جایش می نشیند خیلی مهم است که معلم به او پاداش دهد.

مسئله بسیار ساده است، اما غالباً به آن توجه نمی شود. وقتی معلمان از رفتار دانش آموز ایراد می گیرند معمولاً به او می گویند: دیگر این

بگیرند؟ بسه عنوان مثال آن دانش‌آموز را در درس قرائت در نظر بگیرید که صرفاً به منظور جلب توجه از جای خود بلند می‌شود. اگر معلم در مقابل این رفتار دانش‌آموز با گفتن خواهش می‌کنم بنشین از خود عکس‌العمل نشان دهد، در حقیقت همان چیزی را که دانش‌آموز می‌خواسته به او داده است و آن چیزی جز توجه نیست. در واقع معلم به رفتار ناشایست دانش‌آموز پاداش داده است. از آن بدتر این که معلم این فکر را در دانش‌آموز خود تقویت کرده که «هرگاه به توجه احتیاج داشتیم تنها کاری که برای دریافت آن باید انجام دهم، بدرفتاری است.» بارها اتفاق افتاده که وقتی در مقابل یک بدرفتاری عکس‌العملی نشان داده شده، کلاً نتیجه‌ای خلاف آن چه در نظر بوده، عاید گردیده است.

البته انواع دیگر بدرفتاری‌های کودکان نیاز به واکنش معلم دارد. معلمان هیچ‌گاه نمی‌توانند به سادگی در گوشه‌ای بایستند و شاهد آن باشند که بچه‌ها وسایل و اموال مدرسه را خراب کنند. آن‌ها مجبورند از این گونه بدرفتاری‌ها ممانعت کنند و حتی ممکن است تنبیه بچه‌ها را امری ضروری تلقی نمایند. البته این نکته نباید فراموش شود که عکس‌العمل نشان دادن الزاماً به معنای تنبیه نیست. تذکر به دانش‌آموزی که در کلاس سرچایش ننشسته، یک نوع عکس‌العمل است و حال آن که نگهداشتن او در کلاس در زنگ استراحت، به علت این که به تذکر احتیاج دارد، نوعی تنبیه تلقی می‌گردد. بار دیگر تکرار می‌کنیم که معلمان می‌توانند بدون تنبیه کردن نسبت به بسیاری از بدرفتاری‌ها واکنش نشان دهند. کلید تعدیل رفتار در اعمال زور و تنبیه نیست، بلکه در به کارگیری تشویق و پاداش

است. اگر معلمان به خاطر کارهای پسندیده به دانش‌آموزان پاداش دهند، می‌توانند آن‌ها را نسبت به انجام این چنین اعمالی شرطی سازند و هنگامی که شرطی شدند نیاز به دریافت پاداش در آن‌ها کاهش خواهد یافت. دانش‌آموزی که چندین بار از او مثال آوردیم در وهله اول به پاداش‌های فوری و زود به زود احتیاج دارد، ولی عاقبت امید می‌رود که مرحله شرطی سازی آن چنان مؤثر افتد که دیگر به پاداش نیازی نباشد.

اگر راه‌های پیش‌گیری و مواجهه با بدرفتاری‌ها، که در این جا مورد بحث قرار گرفت به کار برده شوند، بسیاری از شکل‌های رایج بدرفتاری، یا کاهش یافته یا از بین خواهند رفت، اما بدیهی است که برای پاره‌ای از مشکلات رفتاری کودکان، روش‌های فوق مناسب نیستند. این گونه مشکلات رفتاری نشانه‌هایی از ناراحتی‌های درونی‌اند و تا زمانی که تشخیص صحیحی در مورد آن‌ها صورت نگیرد و معالجه نگردند، تکرار خواهند شد.

تشخیص و اصلاح رفتار

دانش‌آموزان

فرمولی سریع و ساده که شکستی به همراه نداشته باشد، برای تشخیص علل مشکلات رفتاری دانش‌آموزان وجود ندارد، ولی حداقل می‌توان به یک گام بسیار اساسی اشاره کرد و آن این است که تا می‌توانیم باید با استفاده از منابع ممکن به اطلاعات خودمان در مورد دانش‌آموزان بیفزاییم. این منابع اطلاعاتی می‌تواند شامل آزمون‌های پیش‌رفت تحصیلی و هوش، جزئیات کاملی از شخصیت اجتماعی و روانی، فهرست حضور و غیاب، پرونده

تذکر به دانش‌آموزی که در کلاس سرچایش ننشسته، یک نوع عکس‌العمل است و حال آن که نگهداشتن او در کلاس در زنگ استراحت، به علت این که به تذکر احتیاج دارد، نوعی تنبیه تلقی می‌گردد.

معلمان می‌توانند بدون تنبیه کردن نسبت به بسیاری از بدرفتاری‌ها واکنش نشان دهند.

به مدرسه ارتباط نداشته، مدرسه هم نتوانسته حلال آن‌ها باشد. اما ما با اطمینان اعلام می‌کنیم که ارتباط دارد. ثانیاً: حتی اگر فعالیت‌های تشخیصی نشان دادند که علل ناسازگاری‌ها به مدرسه ارتباط ندارند، خیلی کارها هست که در مدرسه باید انجام بگیرند. نیازهای شخصیتی دانش‌آموزان در مدرسه ارضا می‌شود. عزت نفس آن‌ها در مدرسه تقویت می‌شود و شادی زندگی آن‌ها در مدرسه افزایش می‌یابد.

این مدرسه است که راه جلب محبت دیگران و نثار آن به دیگران را به دانش‌آموز

یاد می‌دهد. حتی مدارس می‌توانند به تأمین غذا و پوشاک شاگردان بپردازند. آن‌ها می‌توانند به مراقبت‌های پزشکی و دندان پزشکی بپردازند. مدارس می‌توانند برای تأمین رفاه دانش‌آموزان همواره با مؤسسات خیریه، سازمان‌های شهری،

مجامع مذهبی و حتی دفاتر حقوقی در تماس باشند. مدارس می‌توانند برای آموزش بزرگسالان، آموزش والدین و تنظیم خانواده و حتی آموزش پیش دبستانی اقداماتی را انجام دهند. ما با این فکر که چون در امر تشخیص کاری نمی‌توان انجام داد، پس اتلاف وقت و نیروست، کاملاً مخالفیم. این منطبق توسط بسیاری از معلمان که بارها این کارها و حتی کارهای بیش‌تری را انجام داده‌اند، مورد تردید و انکار قرار گرفته است.

یک گام بسیار اساسی برای تشخیص علل مشکلات رفتاری دانش‌آموزان این است که با استفاده از منابع ممکن به اطلاعات خود درباره دانش‌آموزان بیفزاییم.



این مدرسه است که راه جلب محبت دیگران و نثار آن به دیگران را به دانش‌آموز یاد می‌دهد.

منبع:

J. Michael Palardy And Thomas J. palardy, "classroom Disciplin: Prevention and Intervention Strategies , Education ,108 : 87-92 , 1987 .

تحصیلی، معلمان قبلی، معلمان امور تربیتی، خویشاوندان، خواهرها و برادرها، دوستان، مددکاران اجتماعی، معلمان موقتی، کارکنان امور پزشکی، مدیر، مربیان ورزش و از همه مهم‌تر خود دانش‌آموز باشد.

بعد از آن که اطلاعات لازم از منابع مذکور جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل گردید، معلمان می‌توانند با اطمینان و به طور منطقی به تعیین علل بسیاری از مشکلات رفتاری بپردازند و هم‌چنین گام‌هایی در جهت کاهش این علل و علائم رفتاری منتج از آن‌ها بردارند. البته به این نکته نیز باید اشاره کرد که درباره این رویه‌ها

هنوز یک اتفاق نظر جهانی وجود ندارد.

بسیاری از منتقدان عقیده دارند که تمام کوششی که در جهت تشخیص علل ناسازگاری‌ها انجام می‌شود، جز اتلاف وقت و نیرو نتیجه‌ای به همراه ندارد، زیرا در این خصوص هیچ کاری انجام‌پذیر نیست. این

منتقدان قاطعانه اظهار می‌دارند که معلمان نمی‌توانند والدین را مجبور سازند که بچه‌های خود را دوست بدارند و به طور کامل آن‌ها را تغذیه کنند. هم‌چنین نمی‌توانند پدر مشروب‌خوار یک دانش‌آموز را از مصرف الکل باز دارند یا مادر دانش‌آموزی را که به خیابان‌گردی عادت کرده، از این عادت منع نمایند. ولی ما با این نظرها کاملاً مخالفیم. اولاً به خاطر این که همیشه این طور به نظر آمده که علل مشکلات رفتاری بچه‌ها هیچ‌گاه